

ترکمن‌ها در میانه ایرانیان و روسها

• انادردی کریمی

در بخش دوم تاریخ باستانی ترکمن‌ها تا سال ۱۸۰۰ بحث شده است.

نویسنده در مورد نام «ترکمن» با توجه به تحقیقات بارتولد و نوشته کاشغری نوشته است: نام ترکمن اولین بار در اواخر قرن دهم ظاهر شد. (ص ۱۸) بررسی اصل و معنی کلمه ترکمن نشان می‌دهد که اوغوزهای غیر مسلمان، اوغوزهای مسلمان را «ترکمن» نامیدند. بعدها نام ترکمن فقط به وسیله اغوزها به کار رفت، هر چند که نام اجدادی خود را فراموش نکردند.^۱ (صص ۱۸ و ۱۹)

سارای بر اساس شجره نامه تراکمه نوشته ابوالغازی بهادر خان می‌نویسد که سلجوقیان خود ترکمن بودند اما مردم خودشان، ترکمن‌ها را فراموش کردند.^۲ (ص ۲۱).

ترکمن‌ها در ربع چهارم قرن هجدهم توانستند به خوبی نیرو بگیرند. اما در اواخر همان قرن، وقتی سلسله قاجاریه در ایران به قدرت رسید، درگیری‌های قاجارها و ترکمن‌ها از سر گرفته شد. (ص ۲۷)

طولانی‌ترین بخش کتاب، بخش سوم (از ص ۲۹ تا ۸۰) با عنوان ساختار اقتصادی، اجتماعی و سیاسی ترکمن‌ها است و به مباحث مختلفی چون ساختار اقتصادی و ساختار سیاسی ترکمن‌ها می‌پردازد. این بخش برای خوانندگان غیر ترکمن و حتی ترکمن می‌تواند بسیار جذاب و جالب باشد. به ویژه خوانندگان با نظریات متفاوتی مواجه خواهند شد، نظریاتی که کمتر از سوی نویسندگان و پژوهشگران ایرانی مطرح شده است. به همین دلیل توجه بیشتری به این بخش خواهیم داشت.

نویسنده با استناد به سفرنامه برنز (یارنز) درباره رفتار و شخصیت ترکمن‌ها می‌نویسد: اکثر ترکمن‌ها آزاده، درستکار و میهمان نواز بودند. اکثر سیاحان و میسیونرهایی که با ترکمن‌ها برخورد کرده‌اند، شخصیت نیکوی مردم ترکمن را ستوده‌اند.^۳

در ادامه به نظر دوبود و فریزر توجه می‌کند: بعضی از آن‌ها، که اطلاعات راجع به ترکمن‌ها را از ایرانی‌ها دریافت کرده‌اند، آن‌ها را غارتگر توصیف کرده‌اند. (ص ۴۹) کاپیتان ناپیر، پسر ژنرال سپاه انگلیس - هند، اطلاعات جالب و واقعی درباره امور



- ترکمن‌ها در عصر امپریالیسم، پژوهشی درباره مردم ترکمن و انضمام کشورشان به امپراتوری روسیه
- نوشته: محمت سارای
- ترجمه: قدیر ویردی رجائی
- ناشر: مترجم، چاپ اول، ۱۳۷۸، هشت + ۳۳۱ ص

کتاب ترکمن‌ها به دوازده بخش تقسیم شده است. موخره و نقشه‌ها نیز در اواخر کتاب آمده است. نویسنده از منابع مختلف مرتبط با موضوع و نیز اسناد فراوان آرشیوهای بریتانیا استفاده کرده است. هم‌چنین از اسناد منتشر شده روسیه و پاره‌ای اسناد آرشیوهای ترکیه نیز بهره می‌برد.

بخش اول کتاب به جغرافیای ترکمنستان و جمعیت ترکمن و قبایل و تقسیمات آن اختصاص دارد.

سارای بر اساس «شجره‌نامه
تراکمه» نوشته ابوالغازی بهادر
خان می‌نویسد که سلجوقیان
خود ترکمن بودند اما مردم
خودشان، ترکمن‌ها را فراموش
کردند

به نظر می‌رسد سعی نویسنده
بر آن است که چهره مثبتی از
ترکمن‌ها ارائه بدهد، بنابراین
در انتخاب نقل قول‌ها بیشتر بر
نکات مثبت تکیه کرده است.
منطقی‌تر آن بود که به نظریات
مخالف نیز به همان اندازه
اشاره می‌کرد



تاریخ ترکمن‌ها از ۱۸۰۰ تا ۱۸۶۰: تلاش برای استقلال
عنوان بخش چهارم کتاب است. نویسنده پس از مطلب
«تسلط خیوه‌ای‌ها بر ترکمن‌ها» به بحث «ادعای ایران در
باب ترکمنستان» پرداخته و به مواردی از حملات قاجارها به
ترکمن‌ها اشاره کرده است.

به نظر نویسنده قاجارها در حملات خود بر علیه ترکمن‌ها
خسارت زیادی به خرج دادند. شمار زیادی از ترکمن‌ها کشته
شدند؛ ۲۰۰۰ مرد و دختر جوان ترکمن را به اسارت بردند و
۵۰۰۰۰ دام ترکمن توسط ایرانی‌ها به غنیمت برده شد. (ص
۸۲). نویسنده در چند صفحه بعد نیز به این موارد اشاراتی دارد. او
ضمن بحث از منافع روس و انگلیس در اطراف دریای مازندران،
به شکست ایران از روس‌ها و انعقاد قرار داد ترکمن‌چای توجه
می‌کند و معتقد است که: این شکست‌ها و خسارت‌های ایرانی‌ها،
ناراحتی بیشتری در میانشان پدید آورد و آن‌ها برای جبران این
سرافکنندگی‌ها به تدریج به نقاط دیگر توجه کردند. (ص ۸۶)

نویسنده می‌آورد: ... روس‌ها به مقامات ایرانی به خصوص
عباس میرزا پیشنهاد کمک و همکاری کردند. روس‌ها گفتند
که اگر ایران پیشنهاد آن‌ها را [پیشروی در آسیای مرکزی و
افغانستان] بپذیرد از دریافت قران‌های (وجهه) [کروار] نهم و
دهم غرامت جنگی صرفنظر خواهند کرد.^۴

(عباس میرزا) در پائیز سال ۱۸۳۲ بعد از مطیع کردن
یموت‌های استرآباد، به منظور هموار کردن راه هرات و مرو
برای لشکر کشی در آن جهت، به سوی سرخس که در تصرف

ترکمن‌ها ارائه داده است. او راجع به شخصیت ترکمن‌ها نوشت:
«در وهله اول چنین به نظر می‌آید که شخصیت ترکمن‌ها به
صورتی ناصواب ارزیابی شده است.»^۵

نویسنده به نظریات نویسندگان دیگری نیز توجه می‌کند که
همگی آنان از خصوصیتی چون مهمان نوازی، عدالت، تساوی
حقوق زن و مرد ترکمن و اعتماد به یکدیگر سخن رانده‌اند. این
نظریات در تضاد کامل با نوشته‌های مورخین دوره قاجاریه است
که ترکمن‌ها را غارتگر و دزد و راهزن دانسته‌اند.

به نظر می‌رسد سعی نویسنده بر آن است که چهره مثبتی
از ترکمن‌ها ارائه بدهد، بنابراین در انتخاب نقل قول‌ها بیشتر بر
نکات مثبت تکیه کرده است. منطقی‌تر آن بود که به نظریات
مخالف نیز به همان اندازه اشاره می‌کرد.^۵

یکی از مواردی که درباره ترکمن‌ها در کتب تاریخی بیشتر
آمده است، آلمان‌ها یا گروه‌های مهاجم است. نویسنده حدود پنج
صفحه از کتاب را به این موضوع اختصاص داده است. عده‌ای
از ترکمن‌ها به سرزمین‌های همجوار و یا دورتر برای به دست
آوردن غنایم هجوم می‌بردند. سارای با بررسی رویدادهای تاریخی
و آوردن نظریات نویسندگان مختلف در پی آن است که بگوید این
امر ریشه تاریخی و اقتصادی دارد. آموزش و پرورش و فرهنگ،
نظام دادگستری و نظام سیاسی ترکمن‌ها (نظام حکومت، سازمان
نظامی، درگیری‌های داخلی و رهبریت) از مباحث دیگر این بخش
است. ضمن آن که درباره شاعران و نویسندگان و سرداران نظامی
ترکمن نیز مطالبی ارائه شده است.

**قاجارها ادعا می کردند که
ترکمن ها تبعه آن ها هستند و
روس ها این ادعا را نمی پذیرفتند
و می گفتند آن ها مردمی مستقل
هستند. شگفت آن که روس ها
نه تنها استقلال ترکمن ها
را نپذیرفتند، بلکه با جنگ و
خشونت ترکمن ها را مجبور
کردند که تابعیت آنان را بپذیرند**

ترکمن های سالور بود، پیش راند. تعداد عظیمی از سالورها کشته و اسیر شدند و دامها و اموال شان به غارت رفت.^۷ واقعه اخیر در منابع قاجاریه آمده است. هما ناطق نیز به بررسی این قضیه پرداخته است.^۸

نویسنده به حملات دیگر قاجارها به مناطق ترکمن نشین اشاره کرده است. نتیجه این حملات تسلیم شدن گوکلان ها - گروهی از ترکمن ها - بوده است.

روابطی بین روس ها و ترکمن ها به وجود آمده بود. روس ها و ایرانیان در مورد ترکمن ها اختلافاتی پیدا کردند. قاجارها ادعا می کردند که ترکمن ها تبعه آن ها هستند و روس ها این ادعا را نمی پذیرفتند و می گفتند که آنان مردمی مستقل هستند. شگفت آن که روس ها بعدها نه تنها استقلال ترکمن ها را نپذیرفتند، بلکه با جنگ و خشونت ترکمن ها را مجبور کردند که تابعیت آنان را بپذیرند. اشغال آشوراده، ارتقا تکه ها به رهبری ترکمن ها، وحدت ترکمن ها و مقاصد روس ها درباره ترکمنستان مباحث پایانی بخش چهارم است. در بحث اخیر روس ها بسیار زیرکانه عمل کرده اند. آنان فعالیت های خود را در سرزمین ترکمن ها صرفا توسعه تجارت می دانستند. ترکمن ها هر گونه فعالیت روس ها را در منطقه با سوءظن می نگریستند. در نتیجه، در رفتارهایشان با روس ها تا حدودی محتاط بودند.

در بخش پنج از تاریخ ترکمن ها از ۱۸۶۰ تا ۱۸۶۹ بر خور داری از استقلال کوتاه مدت سخن به میان می رود. در ابتدا ذکر می شود که ترکمن ها به تقویت دوستی شان با افغانستان علاقه داشتند که نویسنده آن را بی ارتباط با بریتانیا نمی داند. در ده صفحه بعد سوالی را مطرح می کند: چرا ترکمن ها برای حفظ استقلال شان ترجیح دادند از بریتانیا و افغان ها کمک بخواهند؟

به نظر نویسنده دو دلیل داشته است، از یک سو بریتانیا قادر به حفظ استقلال افغانستان بوده و از سوی دیگر انتظار کمک ترکمن ها از بریتانیا تا حدی عاطفی بود. نویسنده توضیح می دهد

که افراد انگلیسی رفتار خوبی با ترکمن ها داشته اند. ترکمن ها به ویژه محبت و رفتار انسان دوستانه سرگرد استود دارت و تامسون را، که جان ترکمن های زیادی را با گرفتن حکم رهایی شان از اسارت قاجارها نجات دادند؛ به یاد می آوردند.

در مورد علل علاقه ترکمن ها به افغان ها، هم دینی و حسن همسایگی آن ها را نیز مؤثر می داند. (صص ۱۰۹ و ۲۰-۱۱۹) نویسنده در بخش ششم به پیشروی روس ها در اراضی ترکمن ها می پردازد. روس ها پس از فتح قسمت اعظم خجند و بخارا، در مناطق اشغالی یک حاکمیت کل به نام «ترکستان» بر پا کردند و ژنرال وان کوفمن را به عنوان اولین حاکم کل با اختیارات نامحدود تعیین کردند. روس ها بعضی از مناطق ترکمن ها را تصرف کردند که موجب نارضایتی عده ای از ترکمن ها شد. البته در این مورد در بین ترکمن ها اتفاق نظر وجود نداشت. برای نمونه، تیره آتابای یموت ها که در دو سوی شمال و جنوب اترک استقرار داشتند و اکثرا چادر نشین بودند، با اشغال قزل سو توسط روس ها مخالفت کردند. اما آتابای ها و سایر بخش های کوچک یموت که در منطقه بین قزل سو و چکیشلر زندگی می کردند، به دو دلیل توانستند در برابر روس ها مقاومت کنند. اول این که روس ها به اکثر بزرگان آن ها پول، هدیه و رشوه دادند. دوم این که بزرگان یموت تحت تأثیر تبلیغات آن ها قرار گرفتند. روس ها به طور مکرر به ترکمن ها می گفتند که هیچ گونه قصد استقرار در اراضی ترکمن ها را ندارند، بلکه می خواهند سطح تجارتشان را در منطقه بالا ببرند. (ص ۱۲۷)

هدف روس ها تنها تجارت نبود، بلکه در پی تسلیم ترکمن ها به حکومت خود بودند. نویسنده بعد از توضیحات دیگر می گوید که روس ها خود به غارت کاروان های ترکمن ها پرداختند، در حالی که ترکمن ها را غارتگر می دانستند.

رهبران ترکمن از افغانستان و ایران در برابر روسها یاری خواستند. افغان ها، قول مساعدت دادند. مذاکرات با ایران، حتی بعد از رسیدن به توافق، به علت دسیسه روس ها در بین حکام ایرانی خراسان به شکست منتهی شد.

در بخش هفتم عکس العمل بریتانیا در مقابل پیشروی روس ها در خاک ترکمن ها و در بخش هشتم اقدامات ترکمن ها در دفاع از کشورشان بحث شده است.

با وجود بعضی اختلافات در بین ترکمن ها، رهبران ترکمن تصمیم گرفتند در برابر حملات روس ها مقاومت کنند. ولی با مطالعه این بخش خواننده متوجه می شود که بین رهبران ترکمن ها اتحاد واقعی نبوده است. روش یکسانی را نیز در مبارزه با روس ها در پیش نگرفته اند. عده ای از آنان مخالف شدید روس ها بودند. بعضی نیز از دوستان ژنرال لوماکین بوده اند.

یکی از رهبران به نام نورپردی خان در سال ۱۸۷۵ به تدریج حمایت ایران از مردمش در برابر روس ها را مورد توجه

یکی از رهبران به نام نوربردی خان در سال ۱۸۷۵ به تدریج حمایت ایران از مردمش در برابر روس‌ها را مورد توجه قرار داد. نویسنده توضیح می‌دهد که روس‌ها پیش دستی کردند و به ایرانی‌ها اخطار کردند که مخالف چنین اتحادی هستند. «با وجود این، در سال ۱۸۷۶، نمایندگان ترکمن، به رهبری نوربردی خان، به تهران رفتند و با دولت ایران موافقت نامه امضا کردند و حاکمیت ایران بر ترکمنستان را پذیرفتند»^۹

قرار داد. نویسنده توضیح می‌دهد که روس‌ها پیش دستی کردند و به ایرانی‌ها اخطار کردند که مخالف چنین اتحادی هستند. «با وجود این، در سال ۱۸۷۶، نمایندگان ترکمن، به رهبری نوربردی خان، به تهران رفتند و با دولت ایران موافقت نامه امضا کردند و حاکمیت ایران بر ترکمنستان را پذیرفتند»^۹

با این همه، احتمالاً بر اثر دسیسه روس‌ها، حاکم بجنورد، پیش از آن که نوربردی خان و نمایندگان به کشورشان مراجع کنند، آبادی‌های ترکمن در آخال را غارت کرد.^{۱۰}

در حقیقت، در سال‌های بعد معلوم شد که همان حاکم ایرانی از خیلی وقت پیش با کنسول روس، باکولین، مکاتبه داشته است.^{۱۱}

حمله بی‌مورد حاکم ایرانی نومیدی و خشم شدیدی را در بین ترکمن‌ها پدید آورد. این واقعه پرضحی‌شدیدی در رهبریت نوربردی خان در آخال به وجود آورد.^{۱۲} در نتیجه، نوربردی دیگر کوششی برای اتحاد با ایرانی‌ها به عمل نیاورد. بخش‌های نهم، دهم و یازدهم در ارتباط با نبرد گوگ تپه است. جنگی که بین ترکمن‌ها و روس‌ها در طی سال‌های ۸۱-۱۸۷۹ واقع شد. در جنگ اول، ترکمن‌ها با شجاعت و از جان گذشتگی از خودشان دفاع می‌کنند. نویسنده به تفصیل روش دفاع ترکمن‌ها در برابر حمله و لشکر کشی روس‌ها را توضیح می‌دهد. جنگ اول در نهایت با عقب نشینی روس به اتمام رسید.

نوربردی خان، رهبر ترکمن‌ها اقداماتی در جهت مقابله با روس‌ها انجام داد. مردم را یکپارچه کرد. روابط با حکام همجوار را توسعه داد. با یار محمد، خان بجنورد، که دوست خوب او بود، مکاتبه کرد و نوشت که چنان چه روس‌ها باز هم به ما حمله کنند، تا آخرین نفر از خود دفاع خواهیم کرد. او حتی به مقامات بریتانیا هم متوسل شد که البته نتیجه‌ای دربرداشت.

روس‌ها لشکر کشی دوم خود را در ۱۸۸۰ آغاز کردند. فرمانده روس‌ها، ژنرال سکوبلوف (اسکوبلوف) با تجربه بود. فرمانده ترکمن‌ها در آغاز هم‌چنان نور بردی خان بود که با هوشیاری پیش‌بینی‌های لازم را کرده بود. اما مصیبتی برای ترکمن‌ها پیش آمد و آن مرگ سردار بزرگشان بود. مردم ترکمن در حساس‌ترین دوران تاریخشان از وجود او محروم گشتند. مصیبت بار بودن مرگ او کمتر از بمباران روس‌ها نبود. او معمار حقیقی وحدت قبایل ترکمن از اواخر دهه ۱۸۵۰ بود. ترکمن‌ها مختم قلی، پسر دوم نور بردی، را به عنوان خان جدید و اراز محمد خان را به عنوان وزیر او انتخاب کردند. اما خان جدید به اعتراف خود تجربه پدر و برادرش، رهبر قهرمان دفاع از گوگ تپه در ۱۸۷۹، را نداشت. اگر برای ترکمن‌ها مرگ رهبرشان مصیبت بود، بی شک برای روس‌ها خبر خوشایندی بود. فرمانده روس، سپاه خود را از هر لحاظ آماده کرده بود. به نظر می‌رسد او با زیرکی تمام پی‌برده بود که باید گروهی از ترکمن‌ها، به

خصوص یموت‌ها را به سوی خود جذب کند.

او موفق شد عده‌ای از یموت‌ها را با وعده، رشوه و تهدید با خود همراه کند. البته عده‌ای از یموت‌ها با او همکاری نکردند و ترجیح دادند به بخش ایرانی اترک مهاجرت کنند.

فرمانده روس طبق اطلاعاتی از تکه‌ها خواست که تسلیم سپاه تزار شوند. شرایطی نیز برای صلح در نظر گرفت، مثل پرداخت خراج و تسلیم تعدادی از رهبران ترکمن به عنوان گروگان و تسلیم آخال تکه به امپراتور روس. شاید برای علاقه‌مندان به تاریخ جالب باشد که بدانند شرط پنجم او این بود: «تسلیم همه اسناد تاریخی، دست نوشته‌ها و کتاب‌های تاریخی». مشخص است که روس‌ها اهداف دراز مدت فرهنگی نیز از این حملات داشته‌اند.

از این اطلاعات آشکار می‌شود که سکو بلوف نمی‌خواست حق انتخابی جز جنگ به ترکمن‌ها بدهد. در نتیجه ترکمن‌ها به نامه او پاسخ ندادند.

فرمانده روس پس از طی مراحل به طرف گوگ تپه حرکت کرد. نویسنده صحنه‌های نبرد را به تفصیل توضیح داده است. به نظر می‌رسد سکوبلوف فرمانده زیرکی بوده است. او حتی پیش بینی آذوقه و ملزومات ضروری را نیز کرده بود. او کلنل گرودف، رئیس ستادش را به ایران فرستاد تا آذوقه و حیوانات باربر تهیه کند. به طور خلاصه او با دادن هدایا و رشوه به ایلخانان خراسان به خصوص شجاع الدوله را در قوچان، آنها را با خود همراه کرد.

وقتی پیشروی همه جانبه سپاهیان روس شروع شد، ترکمن‌ها از بریتانیا یاری خواستند و گفتند که آماده بیعت با انگلستان هستند. به این عرض حال ترکمن‌ها هم از سوی مقامات بریتانیا جوابی داده نشد.

فرمانده روس با محاصره گوگ تپه و عملیات مداوم و آتش توپخانه تلفاتی به ترکمن‌ها وارد ساخت. او شب قبل از حمله داوطلبانی به داخل خندق فرستاد تا با مین‌های انفجاری شان

یکی از شرایط سکولوف فرمانده روس برای صلح با ترکمن‌ها، «تسلیم همه اسناد تاریخی، دست نوشته‌ها و کتاب‌های تاریخی» بود

نبرد گوگ تپه و تصرف آن منطقه برای روس‌ها موفقیت بزرگی بود. در مقابل برای ترکمن‌ها فاجعه‌ای بسیار عظیم بود، زیرا دیگر هیچ گاه نتوانستند نیرو بگیرند

به دیوار قلعه رخنه کنند. با تمام تلاش ترکمن‌ها برای حراست از قلعه، روس‌ها موفق به تسخیر قلعه شدند. عده‌ای از ترکمن‌ها مرگ را بر فرار ترجیح دادند. عده‌ای چاره‌ای جز فرار ندیدند. تعقیب و قتل عام ترکمن‌ها (مردان، زنان و کودکان) تا فاصله ده میل دوام یافت و فقط با فرا رسیدن شب پایان یافت. اکنون پرچم روسیه بر فراز گوگ تپه در اهتزاز بود.

ترکمن‌ها هنگام دفاع از قلعه شان ۶۵۰۰ کشته دادند. سواره نظام روس‌ها نیز در خلال تعقیب ترکمن‌ها ۸۰۰۰ نفر را قتل عام کردند.

زمان تسلیم به روسیه فرا رسیده بود. حتی دیقما سردار، با همه سعی و تلاش خود نتوانست نیروی کافی برای مقابله با روس‌ها تهیه کند. او که از عدم اعتماد خویشاوندانش دلسرد شده بود و در بین مرو و تجن زندگی سرگردانی را آغاز کرده بود، سر تسلیم فرود آورد و برای خدمت وفادارانه به تزار روس قسم خورد. اما یک سال بعد پس از تحمل یک بیماری طولانی در گذشت.

نبرد گوگ تپه برای روس‌ها موفقیت بزرگی بود. در مقابل برای ترکمن‌ها فاجعه‌ای بسیار عظیم بود. زیرا دیگر هیچ گاه نتوانستند نیرو بگیرند.^{۱۲}

روس‌ها با دسیسه و فشار کنترل مرو را به دست می‌گیرند عنوان آخرین بخش کتاب است. هر چند حادثه سقوط گوگ تپه، به طور کلی روحیه مردم ترکمن را برای مقابله با دشمن تجاوزگر پائین آورد، اما اکثریت عظیم ترکمن‌های مرو، تجن و یولاتان برای دفاع از خاکشان در برابر مهاجمین روس مصمم بودند.

به نظر می‌رسد که آن‌ها هنوز از تجربیات گذشته درس نگرفته بودند، چون رؤسای تمام قبایل مرو موافقت نمودند که با دولت انگلیس بیعت کنند. باز هم چون گذشته انگلیس به آنان جواب روشن و واضحی نداد. مختوم‌قلی خان رهبر بزرگی نبود که بتواند مردمش را از بحران‌های بزرگ نظیر این بحران خارج سازد. به علت بی تجربگی و ناتوانی به عنوان یک رهبر، به زودی اقتدار لرزانش بر ترکمن‌های مرو را از دست داد

اختلافات آغاز شد. عده‌ای خواهان مبارزه با روس‌ها و عده‌ای نیز خواهان تسلیم به آن‌ها بودند. فشار روس‌ها به حدی رسیده بود که حتی مختوم‌قلی رهبر ترکمن‌های مرو ناچار به تسلیم به روسیه شد و بعدها ترکمن‌ها را نیز به این امر تشویق کرد، اما گروهی از ترکمن‌ها هم چنان به مبارزه با روسیه ادامه دادند.

در نهایت پیروزی با روس‌ها بود. انگلستان نیز در سال ۱۸۸۷ توافقنامه‌ای با روس‌ها امضا کرد. هر دو طرف با یک خط مرزی بین قلمرو روسیه در آسیای مرکزی و افغانستان و شرق ایران موافقت کردند. این توافق، نه تنها به استقلال ترکمن‌ها بلکه به رقابت انگلستان - روسیه در آسیای مرکزی نیز پایان داد.

نویسنده در «موخره» کتاب خلاصه‌ای از مطالب کتاب را آورده و نتایج بحث را ذکر کرده است.

نگارنده مطالعه کتاب ترکمن‌ها در عصر امپریالیسم را به چند دلیل به خوانندگان گرامی و علاقه‌مندان به تاریخ توصیه می‌کند. اول آن که چون این اثر رساله دکترای نویسنده بوده است سعی کرده در نگارش کتاب اصول و روش‌های علمی را رعایت کند، هر چند که در مواردی نتوانسته در قضاوت‌های خود در مورد ایران و ایرانیان، کاملاً تعصب خود را مهار کند. حسن دوم کتاب آن است که خواننده ایرانی، ایرانیان را از دریچه چشم دیگران مشاهده خواهد کرد و در مورد ترکمن‌ها با قضاوت‌های دیگران نیز آشنا خواهد شد. متأسفانه عده‌ای از نویسندگان و پژوهشگران ایرانی سعی نکرده‌اند در قضاوت‌های خود درباره ترکمن‌ها کاملاً علمی و بی‌غرضانه برخورد کنند. نویسنده کتاب خواننده را با جنبه‌های مثبت فرهنگ و بینش ترکمن‌ها آشنا کرده است. از مزایای دیگر کتاب استفاده مؤلف از اسناد فراوان آرشیوهای کشورهای خارجی، به خصوص انگلستان است. اسنادی که اغلب خوانندگان ایرانی به راحتی به آن‌ها دسترسی ندارند. هم چنین کتاب‌هایی که به زبان‌های انگلیسی، روسی و ترکمنی نوشته شده‌اند.

به اعتراف نویسنده «چون راه‌های آسان دسترسی به آرشیوهای روسیه برای پژوهشگران غربی وجود ندارد، کوششی برای رفتن به اتحاد شوروی جهت مطالعه آرشیوهای روسی به عمل نیاوردم. ایشان از بعضی از اسناد آرشیوهای روسیه که توسط مقامات شوروی منتشر شده‌اند سود جسته است. به نظر نگارنده این امر می‌تواند از نقایص کتاب باشد، زیرا که موضوع کتاب مربوط به روس‌ها و ترکمن‌هاست و بایستی از تمامی اسناد موجود استفاده شود، البته عذر نویسنده قابل قبول است. ولی با فروپاشی شوروی شاید راه‌های دسترسی به اسناد آرشیوها امکان پذیر شده باشد. نویسنده می‌تواند با استفاده از آن‌ها به کتاب خود غنای بیشتری ببخشد.

همان‌طور که قبلاً نیز ذکر کردیم، نویسنده در قضاوت

خود در مورد رفتار و شخصیت ترکمن‌ها بیشتر به قضاوت مثبت نویسندگان مختلف راجع به ترکمن‌ها توجه کرده است، منطقی‌تر آن بود سخنان منفی آنان نیز به همان میزان ذکر شود. در مورد آلمان یا حمله‌های ترکمن‌ها به مناطق شهری و یا روستایی و نیز به اسارت گرفتن ایرانیان به موارد منفی این کار کمتر اشاره کرده است.

پادشاهان و حاکمان دوره قاجاریه، در مواردی در رفتار با ترکمنان خشونت بیش از حدی به خرج داده‌اند. نویسنده در چند مورد با آوردن واژه «ایرانیان» اعمال منفی آنان را به همه ایرانیان تعمیم داده است. انصاف حکم می‌کرد که نویسنده محترم دقت بیشتری در کاربرد کلمات نشان دهد.

مترجم محترم کتاب آقای قدیر ویردی رجائی، ترجمه‌ای خوب و سلیس از کتاب ارائه داده‌اند. ایشان ناشر کتاب نیز بوده‌اند، در بازار نه چندان مطلوب فروش کتاب در ایران کار ایشان قابل تقدیر است.

به نظر ما کتاب می‌توانست بهتر از این چاپ شود. متأسفانه طراحی جلد کتاب جذاب نیست. امیدوارم مترجم محترم در چاپ‌های بعدی طراحی مناسبی برای جلد کتاب در نظر بگیرند. غلط‌های چاپی کتاب - هم در حدود صد مورد - به کیفیت کتاب لطمه زده است. با وجود آن که در فهرست کتاب «لیست منابع» ذکر شده است، در پایان کتاب فهرست منابع دیده نمی‌شود. امیدواریم این نقایص در چاپ‌های بعدی رفع شود.

پی نوشت‌ها:

۱ - لمبتن نیز معتقد است که اصطلاح ترکمان (ترکمن) در روزگار امپراتوری سلجوقیان اصلاً اشاره به غزان مسلمان داشت که وارد دارالاسلام شده بودند. رک: لمبتن، آن، تداوم و تحول در تاریخ میانه ایران، ترجمه یعقوب آژند، تهران: نشر نی، ۱۳۷۲، ص ۱۱.

۲ - برای ادعای ابوالغازی نگاه کنید به: ابولغازی، بهادرخان: شجره تراکمه، ترجمه آناردی عنصری، گنبد قابوس: انتشارات ایل آرمان، ۱۳۸۳، ص ۵۹.

۳ - بورنز، آ. سفرها به بخارا؛ شرح سفر از هند به کابل، ترکستان و ایران در ۳۳-۱۸۳۱، لندن، ۱۸۳۴، صص ۵۱-۵۰، ۹۸-۹۴، به نقل از ترکمن‌ها در عصر امپریالیسم، ص ۳۸.

۵ - برای نمونه سرپرسی سایکس ترکمن‌ها را آدم دزد و طایفه سفاک و قوم نابکار قلمداد می‌کند. البته او ترکمن‌های گو کلان را از موت‌ها متمایز می‌کند و آنان را «تهایت رتوف و مهربان» می‌داند. نگاه کنید به، سایکس. پرسسی، سفرنامه ژنرال سرپرسی سایکس یا ده هزار میل در ایران، ترجمه حسین سعادت نوری، تهران، لوحه ۱۳۶۳، صص ۱۸ و ۱۹ و ۲۵.

۶ - سرهنگ ماک دونالد به رئیس و اعضا کمیته محرمانه، تبریز، شماره ۴، ۱۱ مارس، ۱۸۳۰، نامه‌های محرمانه و ضمیمه از ایران، یادداشت‌های سیاسی و سری. ۹/۴۵. به نقل از همان، ص ۸۶.

۷ - هاورث، ه. ه. تاریخ مغول‌ها، قسمت دوم لندن، ۱۸۸۰، ص ۹۳۰، سایکس، سرپرسی، تاریخ ایران، جلد دوم، لندن، ۱۹۲۱، ص ۳۲۴، ماتریالی پوایستوری ای تورکمن ای ترکمنی ای، II، صص ۴۶۳-۴۵۹ به نقل از همان، ص ۸۸.

۸ - برای نمونه رضا قلی خان هدایت می‌نویسد: «افواج سلطانی در شهر ریختند. پیر و برنا و ضعیف و توانا و کبیر و صغیر و مرد و زن را در هر کوی و برزن پاره پاره کرده، بر فراز یکدیگر پشته ساختند.» رک: هدایت، رضا قلی خان، روضه الصفا، جلد دهم، تهران، مرکزی و پیروز و خیام ۱۳۳۹، ص ۲۵. همانا طبق نیز به گزارش ماکدونالد در ۱۱ مارس ۱۸۳۰ توجه می‌کند و بر اساس آن معتقد است که عباس میرزا به خواست روس‌ها به سرکوبی ترکمن‌ها پرداخته است. رک: ناطق، هما، از ماست که برماست (چند مقاله)، چاپ سوم، تهران، آگاه ۱۳۵۷، ص ۵۵.

۹ - تامسون به دربی، شماره ۱۵۱. تهران، ۱۴ اکتبر ۱۸۷۶، نامه‌های محرمانه و ضمیمه... یادداشت‌های سیاسی و محرمانه، ۹/۱۳۲، هند، به نقل از کتاب ترکمن‌ها در عصر امپریالیسم، ص ۱۸۸.

۱۰ - ه. چرچیل به تامسون، رشت، شماره ۲۸. نوامبر ۱۸۷۶، ضمیمه نامه تامسون، شماره ۱۲، ۱۸۷۶، نامه‌های محرمانه و ضمیمه از ایران. یادداشت‌های سیاسی و سری. ۹/۱۳۲، به نقل از رحیمیان، ص ۱۸۸.

۱۱ - حاکم بجنورد به کنسول روس، ۱۸ ژوئیه ۱۸۷۸، ضمیمه نامه شماره ۱۱۷ تامسون در ۱۸۷۸ نامه‌های محرمانه و ضمیمه... یادداشت‌های سیاسی و سری ۹/۱۳۴، اداره هند، به نقل از کتاب ترکمن‌ها در عصر امپریالیسم، ص ۱۸۸.

۱۲ - بولگر، د. س. تصاویر آسیای مرکزی، لندن، ۱۸۸۰، صص ۲۴۲-۲۳۹. به نقل از کتاب ترکمن‌ها در عصر امپریالیسم، ص ۱۸۸.

۱۳ - اطلاعیه ژنرال سکولوف به ترکمن‌های آخال تکه، ضمیمه نامه شماره ۲۱۲ تامسون، ۱۸۸۰، ف. او. ۶۵/۱۱۰۴؛ منقول در گرو دکوف، ۱۱، صص ۷۲-۷۱، به نقل از کتاب ترکمن‌ها در عصر امپریالیسم، ص ۲۴۴.

۱۴ - بخش دهم کتاب صص ۲۷۸-۲۲۷، موسیقی دانان ترکمن آهنگی به نام «گوگ دپه مقامی» ساخته‌اند. رک: فصلنامه یاپراق، شماره ۲۰، ویژه نامه موسیقی سنتی ترکمن، سال پنجم، زمستان، ۱۳۸۱، ص ۱۱۸. فاجعه گوگ تپه در ادبیات ترکمن نیز منعکس شده است. شاعران و نویسندگان درباره آن داستان‌ها و شعرها نوشته و سروده‌اند.